

حق مؤلف در مطبوعات

● دکتر سیدوحید عقیلی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات و رئیس دانشکده علوم انسانی

● مؤده ماهرخ مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

چکیده

حق مؤلف به معنای عام کلمه به معنای حمایت از پدیدآورنده (مؤلف) و اثر اوست. شرایط و ویژگی حمایت از اثر پدیدآورنده در صورتی است که مؤلف از آثار دیگران و گذشتگان استفاده غیرمجاز نکرده باشد. با وجود آنکه در خصوص مطبوعات قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و میثاق‌هایی وجود دارد، اهمیت حق مؤلف آنچنانکه شایسته و بایسته است در آنها مطرح نشده است. نگارنده بر آن است با بررسی مباحث حقوق مالکیت معنوی و به‌ویژه حق مؤلف در زمینه مطبوعات و مقایسه آن با قوانین و مقررات موجود در خصوص کتاب، بتواند به حفظ و رعایت حقوق معنوی نویسندگان، مؤلفان، مصنفان در ایران بپردازد.

کلیدواژه: حق مؤلف، مطبوعات و کپی‌رایت.

مقدمه

با گسترش وسائل ارتباط جمعی و روند رو به گسترش ارتباطات و اطلاعات، شاید بیش از گذشته جوامع بشری با فکر مفهومی به نام «حقوق مالکیت معنوی»، «حق مؤلف»، «حفظ حریم خصوصی» و مفاهیمی این‌چنین روبه‌رو شده‌اند. ارتباط انسان‌ها یکی از مهم‌ترین اساس شکل‌گیری جوامع انسانی شده و ارتباطات سبب بسط و تعالی فرهنگ و تبادل اطلاعات، عقاید، نظرات و احساسات شده و این امر توجه به حقوق مالکیت معنوی را بیش از پیش پراهمیت ساخت. هربرت مارشال مک لوهان سیر تحول ارتباطات را در عرصه ارتباطات در سه کهکشان معرفی کرد. او کهکشان شفاهی (از دوردست تاریخ تا اختراع چاپ)، کهکشان گوتنبرگ (با اختراع چاپ در سال ۱۴۳۶ م.) و کهکشان مارکنی (در سال ۱۹۲۰ با استفاده از نخستین فرستنده رادیویی) را در تقسیم‌بندی‌های خود بیان کرد. با سفر به آخرین کهکشان از نظر مارشال مک لوهان، توقف انسان هنوز در کهکشان مارکنی است (محسنیان‌راد، ۱۳۸۰، ص ۴۸۸-۴۹۰).

شاید در عصر کهکشان شفاهی هربرت مارشال مک لوهان کانادایی، ضرورت پرداختن به این قضیه آنچنان احساس نمی‌شد، زیرا ارتباطات چهره به چهره، غیرکلامی و پس از آن کلامی بود

و هنوز از اختراع چاپ و کهکشان گوتنبرگ خبری نبود. کهکشان گوتنبرگ که در اواخر قرن پانزدهم به‌وجود آمد، ایده‌ها، افکار و اندیشه‌های افراد بیشتر از گذشته (کهکشان شفاهی) به سمع و نظر مخاطبان بیشتری رسید. به‌دلیل اهمیت موضوع و پیشرفت صنعت چاپ در کشورهای اروپایی - ۳۸۱ سال پس از اروپا ایران نیز وارد این عرصه شد - هریک از کشورها به‌تنهایی به فکر حفظ ایده‌ها، خلاقیت‌ها و ابداعات افتادند. اما نخستین کشور، انگلستان بود که با «قانون آن» (قانون ملکه آن) حافظ حقوق مؤلف مغتنم شمرده شد و می‌توان گفت وجود این قانون به‌علت عدم رعایت حق مؤلف و برای حفظ حریم مؤلف بود و این امر سبب گسترش و اهمیت مسئله شد.

پس از آن با ورود به کهکشان سوم، یعنی کهکشان مارکنی اهمیت موضوع دوچندان شد، زیرا وسائل جدید ارتباطی یکی پس از دیگری وارد عرصه جهانی شدند و کشورها، هریک، با چند سال اختلاف به مصرف این وسائل ارتباطی روی آوردند. با ورود ماهواره و اینترنت، سرعت گسترش اطلاعات، ابتکارات و اختراعات و خلاقیت‌های افراد به‌طور حیرت‌آوری از یک سوی جهان به‌سمت دیگری فزونی گرفت، به‌طوری که ضرورت توجه به امر حق مؤلف بیش از گذشته شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



**ارتباط انسان‌ها یکی از مهم‌ترین
اساس شکل‌گیری جوامع انسانی
شده و ارتباطات سبب بسط و تعالی
فرهنگ و تبادل اطلاعات، عقاید،
نظرات و احساسات شده و این امر
توجه به حقوق مالکیت معنوی را بیش
از پیش پراهمیت ساخت**

حال با توجه به مطالب ارائه‌شده، باید اشاره کرد که مبحث اصلی نگارنده، حق مؤلف در مطبوعات است که به بررسی اجمالی آن می‌پردازد.

حق مؤلف

قبل از ارائه تعریف دقیقی در خصوص حق مؤلف باید اشاره کرد که حقوق مالکیت معنوی منشأ اصلی حق مؤلف محسوب می‌شود. حقوق مالکیت معنوی در معنای وسیع کلمه عبارت است از: «حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه علمی، صنعتی، ادبی و هنری» (میرحسینی، ۱۳۸۴، ص ۱۹). این حقوق به‌طور خاص به دو گروه حقوق مالکیت صنعتی و حقوق مالکیت ادبی و هنری تقسیم می‌شود. حقوق مالکیت ادبی و هنری را حق مؤلف هم می‌گویند که این حق تمام آثار پدیدآورندگان را دربرمی‌گیرد. حق مؤلف را با نام‌های دیگری همچون حقوق نسخه‌برداری، حقوق پدیدآورنده، کپی‌رایت، حق طبع، حق نشر و حقوق مستحده می‌شناسند، ولی همه آنها در معنا به یک مورد اشاره دارند که تفاوت عقاید بر روی معنای لغوی آن سبب وجود نام‌های مختلف شده است.

حق مؤلف را اینگونه تعریف می‌کنند که امتیاز و حق انحصاری بهره‌برداری و فروش یک اثر به‌وسیله دولت به یک نویسنده، آهنگساز، هنرمند و جز آن و وارثین آنها اعطا می‌شود، به‌نحوی که می‌توانند هر بار که اثر چاپ می‌شود، حق تألیف آن را دریافت کنند و هیچ‌کس بدون اجازه مؤلف یا وارثان او حق چاپ و استفاده از اثر را نداشته باشند (سلطانی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵). درواقع حق مؤلف یا کپی‌رایت امتیازی است که به آثار فکری تعلق می‌گیرد و به‌بیان دیگر برگرفته از این نوع آثار است.

این امتیاز ارتباطی به بدیع‌بودن اندیشه‌ها ندارد. حق مؤلف بر حق نویسنده، هنرمند یا آهنگساز برای جلوگیری از استفاده غیرمجاز اشخاص دیگر از یک اثر بکر استوار است. ممکن است دو فرد به‌طور مستقل به نتیجه‌ای واحد برسند، در صورتی که اثر آنان از روی یک اثر دارای حق مؤلف دیگر کپی نشده باشد، هر دو از امتیاز حق مؤلف اثر مزبور بهره‌مند شوند. بنابراین یک اثر ابتکاری به‌صورت اثری که

محصول اندیشه و تلاش مستقل یک فرد است، تعریف می‌شود. ابتکاری بودن اثر، مستقل از تازگی یا ارزش هنری آن است (گرباود، ۱۳۸۰، ص ۳۳). حق مؤلف، مالکیت فکری و معنوی آثار را به رسمیت می‌شناسد و جامعه را ملزم می‌سازد که آن را محترم بدارد و حقوق قانونی پیش‌بینی‌شده و ناشی از آن را مراعات کند (آذرنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۹۰).

حق مؤلف، حتی از این هم فراتر می‌رود و برای پدیدآورنده نوعی «حق اخلاقی» - گفتنی است اولین بار امانوئل کانت، دانشمند و فیلسوف آلمانی، به حق اخلاقی اشاره کرده است که این حق در قوانین و مقررات بین‌المللی گنجانده شده است - قائل می‌شود و آن را مشمول حمایت خود قرار می‌دهد. درواقع همه قانون‌های حق مؤلف سعی دارند منافع قانونی و به‌حق پدیدآورندگان را حفظ کنند؛ آنان را از آسیب‌های استثمار و سوءاستفاده مصون دارند؛ روابط فردی، روحی، روانی، معنوی و اخلاقی پدیدآورنده را با اثرش، که بخشی از وجود و ادامه‌ای از شخصیت اوست، از هرگونه تعدی در امان نگه‌دارند؛ و به‌طور کلی رابطه پدیدآورنده و اثرش را با جامعه تنظیم کنند و در چارچوب قانون و در کنار سایر قوانین تنظیم‌کننده قرار دهند.

در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ درباره حقوق پدیدآورنده چنین آمده است: «حقوق پدیدآورنده

**اولین رویکرد
در باره مالکیت‌های
ادبی و هنری به
مقوله حق مؤلف
در ایران را باید
در قانون مجازات
عمومی ایران
در سال ۱۳۰۴
جست‌وجو کرد**



بدون در نظر گرفتن محتوا، هدف (آموزشی، سرگرمی، تبلیغات) و شکل (کتاب، جزوه، ورقه) و اینکه چاپ شده باشد یا چاپ نشده باشد، حمایت می‌شوند. در بسیاری از کشورها، «کارهای شفاهی» نیز که هنوز مکتوب نشده، همانند کنفرانس‌ها، خطابه‌ها، نطق‌ها و دفاعیات و کلا در قوانین حق مؤلف برخی از کشورها از جمله فرانسه صریحاً حمایت شده است. موسیقی (به هر نوع و روش و با هر وسیله و ابزاری که نوشته یا نواخته شده باشد)؛ کارهای هنری (اعم از دوبعدی مانند نقاشی یا سه‌بعدی مثل آثار حجمی)؛ نقشه‌ها و طراحی‌های فنی؛ کارهای عکاسی؛ تصاویر متحرک؛ برنامه‌های رایانه‌ای؛ هنرهای کاربردی مانند جواهرسازی، لامپ و لوسترسازی، کاغذ دیواری و اثاث منزل (مبل‌مان) نیز در بسیاری از کشورها مورد حمایت قرار می‌گیرند.

حقوقی نیز با نام «حقوق مشابه» حق مؤلف وجود دارد که بر اساس آن از تمام کسانی که به خالق آثار در رساندن پیام و عرضه آثارشان در عرصه عمومی کمک می‌کنند، حمایت می‌شود. از جمله این حقوق، حقوق هنرپیشگان در اجراهایشان (خواندن، نواختن و ...)؛ حقوق تولیدکنندگان آثار، برای مثال تهیه‌کنندگان و مؤسسات تکثیر و چاپ (که برای اولین بار اثر مورد نظر را چاپ می‌کنند) و حقوق سازمان‌های پخش‌کننده رادیو - تلویزیونی است. البته حقوق این افراد در زیرمجموعه حق مؤلف و با عنوان همین حق مورد حمایت قرار می‌گیرد (صابری انصاری، ۱۳۸۱).

در پایان این بحث باید اشاره کرد که حفظ و حمایت از پدیدآورنده اثر با دو هدف عمده در کشورها و دولت‌ها صورت می‌گیرد؛ نخست برای بیان قانونی حقوق معنوی و مادی افراد خلاق درباره آنچه خلق می‌کنند و حقوق عموم برای دسترسی به دستاورد این افراد و دوم

شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حقوق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست. حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است» (ماده ۳ و ۴ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸).

درباره پدیدآورنده و اثر وی چنین آمده است: «از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند "پدیدآورنده" و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته "اثر" اطلاق می‌شود» (ماده ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸).

به‌طور خلاصه، پدیدآورنده‌ای که اثری را به وجود می‌آورد، نسبت به اثر خود دو حق دارد: «حق مادی و معنوی». حقوق معنوی مؤلف شامل حق تصمیم‌گیری درباره انتشار اثر؛ حق انتساب؛ حق حرمت اثر و حق عدول و استرداد (حق رجوع) است. حق عدول یا استرداد در قانون ایران وجود ندارد. حقوق مادی مؤلف هم شامل حق نشر و تکثیر؛ حق عرضه و اجرای عمومی؛ حق اقتباس و تلخیص و تبدیل؛ حق ترجمه؛ حق استفاده از پاداش و جایزه و حق تعقیب است. درباره حق تعقیب در کتاب حقوق آفرینش‌های فکری حمید آیتی اشاره شده است که این حق در قانون ایران با نام حقوق عینی موجود است (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۰). اما از سوی دیگر پیمان محمدی در کتاب قراردادهای حق مؤلف می‌نویسد که این حق در قوانین و مقررات ایران وجود ندارد (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۹۰).

قوانین حق مؤلف این موارد را مورد حمایت قرار می‌دهد، از جمله کارهای ادبی مانند ناول‌ها، داستان‌های کوتاه، اشعار و جز آنها،

**کنوانسیون پاریس را
که در خصوص حقوق
مالکیت صنعتی است،
امضا کرده است، در
حالی که کنوانسیون
برن را که درباره
حقوق مؤلف و توجه
ویژه آن به حقوق
معنوی مؤلف است،
هنوز امضا نکرده است**



با اینکه قانون مطبوعات جزء قوانین اصلی و اساسی برای مطبوعات به شمار می‌رود، اما در آن درباره حقوق مالکیت معنوی و حق مؤلف و حفظ و حمایت از آثار این افراد، قانون و ماده قانونی وجود ندارد

رایانه‌ای و امثال آن جرم محسوب می‌شود و مرتکب این امر علاوه بر جبران خسارت وارده، محکوم به حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال می‌شود.

در سال ۱۳۸۲ «قانون تجارت الکترونیک» به تصویب رسید. این قانون در حوزه مالکیت معنوی و در خصوص حمایت از حق مؤلف در مبادلات الکترونیکی، حمایت از اسرار تجاری و علائم تجاری و مجازات نقض آن است (مطلبی، ۱۳۸۷، ص ۳۲ - ۴۱). شایان ذکر است ایران کنوانسیون پاریس را که در خصوص حقوق مالکیت صنعتی است، امضا کرده است، در حالی که کنوانسیون برن را که درباره حقوق مؤلف و توجه ویژه آن به حقوق معنوی مؤلف است، هنوز امضا نکرده است. همچنین درباره الحاق به سازمان تجارت جهانی، موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت معنوی (تریپس) نیز باید مورد توافق قرار گیرد که به حقوق مادی مؤلف اهمیت فراوانی قائل است. همان طور که می‌دانید، الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی زیر نظر دفتری با نام دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی، وابسته به وزارت بازرگانی در سال ۱۳۷۵ با هدف پی‌گیری الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی تشکیل شده است. این دفتر در حال حاضر فعالیت‌های خود را در پنج حوزه اصلی، مذاکرات تجاری؛ آموزش و اطلاع‌رسانی؛ هماهنگی‌های اجرایی؛ پژوهش و مشاوره و ارتباطات بین‌المللی دنبال می‌کند. در سال ۱۳۸۰ ایران به عضویت سازمان جهانی مالکیت معنوی در آمد و در سال ۱۳۸۴ فرایند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی آغاز شد. در حال حاضر ایران به‌عنوان عضو ناظر این سازمان است. با الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی می‌توان گفت اهمیت و درجه حقوق مؤلف نیز در سطح به‌مراتب بهتری قرار می‌گیرد.

حق مؤلف در مطبوعات

در شروع بحث حق مؤلف در مطبوعات در وهله اول به تعریفی از مطبوعات و سپس به مواد قانونی درباره نحوه انتشار آنها می‌پردازد. مطبوعات مطابق ماده یک قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ چنین تعریف شده است:

ماده ۱. مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به‌طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند.

تبصره ۱. انتشار فوق‌العاده اختصاص به نشریه‌ای دارد که به‌طور

برای توسعه و ترویج خلاقیت‌ها و گسترش و کاربردی کردن نتایج آنها و نیز تشویق تجارت منصفانه که در رشد اجتماعی و اقتصادی مؤثر خواهد بود.

حق مؤلف در ایران

قوانین و مقررات موجود در زمینه حق مؤلف نسبت به حقوق مالکیت صنعتی که بخش دیگری از حقوق مالکیت معنوی است، در سطح پایین‌تری قرار دارد و حتی می‌توان گفت که قوانین و مقررات درباره مالکیت صنعتی نسبت به حق مؤلف برتری قابل توجهی دارد. اولین رویکرد درباره مالکیت‌های ادبی و هنری به مقوله حق مؤلف در ایران را باید در قانون مجازات عمومی ایران در سال ۱۳۰۴ و در مواد ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷ و ۲۴۸ از فصل یازدهم، مبحث «دسیسه و تقلب در کسب و تجارت» که به مسئله حقوق مؤلفان و مصنفان و تخلفات چاپ و فروش آثار قابل طبع اختصاص داده شده بود، جست‌وجو کرد (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۴۷). این مواد، برای چاپ بدون مجوز اثر یا تصنیفی دیگر، استفاده از آثار مؤلف و مصنف اثری دیگر بدون ذکر مأخذ، فروش یا وارد خاک کشور کردن یک اثر دیگری و چاپ تألیف یا تصنیف دیگری با نامی غیر از نام صاحب اثر، پرداخت غرامت است (مطلبی، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

در زمینه حق مؤلف در ایران، «قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» در سال ۱۳۴۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به‌موجب ماده ۳۲ این قانون، مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون جزا فسخ شد (مطلبی، ۱۳۸۷، ص ۳۴). آیین‌نامه اجرایی آن هم در چهارم دی ۱۳۵۰ به تصویب هیئت وزیران رسید. به‌موجب ماده ۳۲ این قانون، مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون جزا فسخ شد.

در سال ۱۳۵۲ «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» به‌عنوان مکمل قانون فوق به تصویب رسید. در ماده ۲ و ۳ این قانون، تکثیر کتاب‌ها و نشریات به همان زبان و شکل چاپ‌شده و نسخه‌برداری یا ضبط و تکثیر آثار صوتی به قصد بهره‌برداری مادی ممنوع است و در ماده ۶ قانون، حمایت از تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی بیگانه را منوط به وجود عهدنامه یا معاهده متقابل دانسته است (مطلبی، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

در سال ۱۳۷۹ قانون «حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به‌موجب این قانون، حقوق مادی پدیدآورندگان نرم‌افزار رایانه‌ای به‌مدت سی سال حمایت می‌شوند (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵) و هرگونه دخل و تصرف غیرمجاز از طریق ورود یا خروج، ضبط و ذخیره، پردازش و انتقال داده‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای و ایجاد یا ورود انواع ویروس‌های

**یکی از نکاتی که توجه نگارنده را به خود جلب کرد،
با وجود اهمیت روزافزون محیط اینترنتی و نشر
الکترونیکی؛ عدم توجه قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و
میثاق‌های مطبوعات به این محیط است**

مرتب انتشار می‌یابد.

تبصره ۲. نشریه‌ای که بدون اخذ پروانه از هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد، از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.

تبصره ۳. تمام نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.

در آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات درباره نحوه انتشار آمده است، مطبوعات می‌توانند روزی یک‌بار (روزنامه)، هفته‌ای یک‌بار (هفته‌نامه)، دو هفته یک‌بار، ماهی یک‌بار (ماهنامه)، دو ماه یک‌بار، سه ماه یک‌بار (فصلنامه)، شش ماه یک‌بار، سالی یک‌بار (سالنامه) منتشر شوند. در مورد مطالب منتشرشده در مطبوعات مواردی جزو اخلال به مبانی محسوب شده و از نشر مطبوعات جلوگیری می‌شود.

همیشه در نشریات با درج چنین مطالبی مواجه می‌شوید: «استفاده از مطالب مجله یا نشریه ... فقط با اخذ مجوز کتبی امکان‌پذیر است»؛ «استفاده از مطالب فقط با ذکر نام مجله، تاریخ و شماره آن آزاد است»؛ «نقل مطالب و تصویرهای مجله با ذکر مأخذ آزاد است» یا «حق چاپ مختص ناشر است، نقل مندرجات با ذکر مأخذ آزاد است». در واقع صاحبان نشریات با چاپ چنین مطالبی می‌خواهند، حمایت از حق مؤلف را به مخاطبان خود یادآوری و از بروز مشکلات برای نویسندگان و عکاسان نشریه خود جلوگیری کنند که می‌توان گفت به‌طور نسبی شاید بتوانند از مواجهه با چنین برخوردهایی دوری گزینند.

مطابق ماده ۶ قانون مطبوعات، نشریات جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند. شماره ۹ این ماده قانونی به سرقت‌های ادبی اشاره می‌کند و در تبصره آن به تعریف این مسئله می‌پردازد. سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به‌نحوی که تبلیغ از آنها باشد (حدود موارد فوق را آیین‌نامه مشخص می‌کند).

تبصره - سرقت ادبی عبارت است از نسبت‌دادن عمدی تمام یا بخش قابل‌توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر، ولو به‌صورت ترجمه (بند ۹ ماده ۶ قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات ۱۳۷۹).

گفتنی است با اینکه قانون مطبوعات جزء قوانین اصلی و اساسی برای مطبوعات به‌شمار می‌رود، اما در آن درباره حقوق مالکیت معنوی و حق مؤلف و حفظ و حمایت از آثار این افراد، قانون و ماده قانونی وجود ندارد. حتی در تبصره‌های این قانون

نیز عناوینی با این عنوان به‌چشم نمی‌خورد یا اینکه چه مواردی در زمره حق مؤلف (خبر، مقاله، مصاحبه و عکس) قرار می‌گیرند و فقط به بایدها و نبایدهای حرفه‌ای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران اشاره شده است و در آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات نیز به حق مؤلف و حقوق نویسندگان مطبوعاتی (آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن) اشاره ای نشده است. همچنین می‌توان به مسئله عکاسان مطبوعاتی نیز اشاره کرد که نه تنها از آنها نامی به میان نیامده، بلکه حقوق آنها نیز مورداهتمام قرار نگرفته است. عکاسان مطبوعاتی در قانون مطبوعات ایران جایگاهی ندارند و با وجود استفاده روزانه از عکس‌ها و تصاویر در مطبوعات کشور، حق مؤلف و نام این افراد به‌عنوان یک حرفه در مطبوعات کشور به میان نیامده است.

در آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران مصوب ۲۲ شهریور ۱۳۵۴ که مربوط به حرفه روزنامه‌نگاری است، از مبحث مهم حق مؤلف و رعایت آن هیچ ماده و تبصره‌ای ذکر نشده است. در این آیین‌نامه تعریف مشخصی از نویسنده مطبوعاتی و شرایط کاری آنها، مدت اعتبار پروانه‌های کاری و وظایف آنها به میان آمده است و می‌توان گفت تنها مزیت آن نسبت به قانون مطبوعات ذکر عکاس به‌عنوان عضوی از گروه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران است. اما برخلاف این قانون، در ماده یک پیش‌نویس آیین‌نامه کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، تعریف مشخصی از روزنامه‌نگار ارائه شده است: «روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که شغل اصلی و مستمر او، فعالیت اساساً فکری در زمینه تهیه، تنظیم، ارائه اخبار وقایع جاری و تحلیل و تفسیر آنها در یک نشریه روزانه، دوره‌ای، خبرگزاری یا رسانه دیگر است.

تبصره - منظور از روزنامه‌نگار در موارد بعدی این آیین‌نامه، روزنامه‌نگار حرفه‌ای است».

در ماده ۵ آن به مسئله حق مؤلف البته نه با عنوان حق مؤلف و حقوق مرتبط به آن، اشاره شده است. در این ماده آمده است: «انتشار مجدد آثار فکری، ادبی و هنری روزنامه‌نگار که پیش‌تر از طریق رسانه‌ها منتشر شده باشد، در قالب کتاب، فیلمنامه و نظایر آن منوط به اجازه رسمی از پدیدآورنده این آثار است». در تبصره همین ماده چنین بیان شده است که «ارائه و انتشار آثار منتشرشده روزنامه‌نگار در رسانه یا رسانه‌های دیگر منوط به کسب اجازه از مدیرمسئول رسانه اول است».

در پیش‌نویس سند میثاق اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری به حق مادی و معنوی مؤلف (خبرنگار و روزنامه‌نگار)، توجه به حقوق آفرینندگی روزنامه‌نگاران، حقوق مالکیت معنوی، حق مؤلف و

**با بیان قوانین و مقررات موجود در زمینه مطبوعات،
به راحتی می‌توان به این مسئله اشاره کرد که در قوانین
موجود در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و آیین‌نامه
آن به حق مؤلف اشاره نشده است**

اولاً به عکاس مطبوعاتی به‌عنوان حرفه‌ای مجزا نگریسته شده و ثانیاً مشارکت عکاسان مطبوعات در مالکیت و مدیریت مؤسسات مطبوعاتی و رسانه‌ای و موافقت آنان برای انتخاب مسئولان و مدیران تحریریه، که در بسیاری از کشورهای جهان اعمال می‌شود، از لوازم مهم و ضروری استقلال حرفه‌ی عکاسی مطبوعات به‌شمار می‌رود.

در این میثاق به بیان وظایف و مسئولیت عکاسان مطبوعاتی و به تعریف این حرفه پرداخته است. در قسمت اول این میثاق «عکاس مطبوعاتی برای کسب آگاهی در مورد وقایع و مسایل اجتماعی و به تصویر کشیدن آزادانه آنها، بر مبنای حق همگان برای شناخت حقایق، باید به واقعیت‌های عینی توجه کند و تصاویر صحیح و دقیق و منصفانه در اختیار خوانندگان بگذارد».

و در وظایف و مسئولیت عکاسان در قسمت چهارم آن میثاق، اصول اخلاقی حرفه‌ی عکاسان مطبوعاتی در قسمت وظایف و مسئولیت‌ها به سرقت تصویر اشاره شده است: «سرقت تصویر، عدم رعایت حقوق معنوی عکاس و حذف اطلاعات عکس باید در کار عکاس مطبوعات همیشه مذموم و مطرود باشد و برای به‌دست آوردن عکس‌ها شیوه‌های نادرست و غیرقانونی، به‌کار گرفته نشود» (بند ۴ بخش یکم، وظایف و مسئولیت عکاسان مطبوعات، میثاق اصول اخلاقی حرفه‌ی عکاسان مطبوعات) عکاس مطبوعات با توجه به نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی خود، نه‌تنها حق استفاده پیمان جمعی کار را دارد، بلکه حق برخورداری از قرارداد شخصی تضمین‌کننده تأمین مادی و معنوی کار حرفه‌ای و نیز دریافت دستمزد مناسب و منطبق با نقش اجتماعی خویش برای حفظ استقلال اقتصادی خود را داراست.

در قسمتی دیگر به نکته‌ی مهم حمایت از حقوق آفرینندگی خلاقه و فکری عکاسان مطبوعاتی اشاره شده است که معمولاً در قوانین موضوعه مربوط به حقوق مؤلف و مالکیت معنوی و در پیمان‌های جمعی کار حرفه‌ی عکاس مطبوعات نیز بر آن تأکید می‌گردد و باید در تأمین و تضمین حقوق مادی و معنوی آنان در این زمینه، طرف توجه خاص واقع شود.

یکی از نکاتی که توجه نگارنده را به خود جلب کرد، با وجود اهمیت روزافزون محیط اینترنتی و نشر الکترونیکی؛ عدم توجه قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و میثاق‌های مطبوعات به این محیط است که در تمام این قوانین به‌چشم می‌خورد. به‌دلیل گسترش انتشار الکترونیکی و استفاده‌ی کاربران از اطلاعات در دسترس در اینترنت، درباره‌ی مطبوعات راهکارهای قانونی وجود ندارد. متأسفانه با وجود اهمیت بیش از پیش این مسئله و برداشت سریع مطالب از اینترنت،

سرقت ادبی اشاره شده است. در این پیش‌نویس آمده است: «حمایت از حقوق آفرینندگی فکری روزنامه‌نگاران، که معمولاً در قوانین موضوعه‌ی مربوط به حقوق مؤلف و مالکیت معنوی و در پیمان‌های جمعی کار حرفه‌ی روزنامه‌نگاری نیز بر آن تأکید می‌گردد، باید در تأمین و تضمین حقوق مادی و معنوی آنان در این زمینه، طرف توجه خاص واقع شود» (حقوق و امتیازهای روزنامه‌نگار، پیش‌نویس سند میثاق اصول اخلاقی حرفه‌ی روزنامه‌نگاری).

همچنین به سرقت ادبی چنین اشاره شده است: «سرقت ادبی، مخدوش ساختن متن‌ها و سندها و حذف اطلاعات اساسی مربوط به رویدادها، باید در کار روزنامه‌نگاری همیشه مذموم و مطرود باشد و برای به‌دست آوردن اخبار و اسناد و عکس‌ها، شیوه‌های نادرست و غیرقانونی، به‌کار گرفته نشوند» (وظایف و مسئولیت‌های روزنامه‌نگار، پیش‌نویس سند میثاق اصول اخلاقی حرفه‌ی روزنامه‌نگاری).

در این پیش‌نویس اصول حرفه‌ی روزنامه‌نگاری به اصول اخلاقی که از نظر نگارنده بر قانون و اجرایی شدن قوانین و مقررات ارجحیت دارد، اشاره شده است که «اصول اخلاقی مندرج در این میثاق از منابع عمده‌ی تصمیم‌گیری شورای عالی رسانه‌ها و رسیدگی به تخلفات اخلاقی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است» (حقوق و امتیازهای روزنامه‌نگار، پیش‌نویس سند میثاق اصول اخلاقی حرفه‌ی روزنامه‌نگاری).

نکاتی که در این پیش‌نویس قابل‌ارائه برای این موضوع بود و از این پیش‌نویس استفاده شد - بدون توجه به موارد دیگر - برای بیان عباراتی همچون سرقت ادبی، اصول اخلاقی، تأمین و تضمین حقوق مادی و معنوی حرفه‌ی روزنامه‌نگاری، حمایت از حقوق آفرینندگی فکری روزنامه‌نگاران بود که در پیش‌نویس سند میثاق اصول اخلاقی حرفه‌ی روزنامه‌نگاری در قسمت‌های حقوق و امتیازهای روزنامه‌نگار و وظایف و مسئولیت‌های روزنامه‌نگار به آن اشاره شده است و آن را بیش از پیش مورد توجه قرار می‌دهد. حقوقی که نه در قانون مطبوعات و نه در آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، توجهی به آن نشده است و این قوانین را ناقص جلوه می‌دهد.

نکته و مبحث بعدی درباره‌ی عکاسان مطبوعاتی است که آنگونه که شایسته و بایسته است در قوانین و مقررات موجود به آن اشاره نشده است و در قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، از عکس همراه با آثار سینمایی صحبت به میان آمده و در قانون مطبوعات و آیین‌نامه‌ی آن به عکاسان مطبوعاتی اشاره‌ای نشده است. اما در میثاق اصول اخلاقی حرفه‌ی عکاسان مطبوعات - که به تأیید اعضای حرفه‌ای و صنفی انجمن عکاسان مطبوعات ایران می‌رسد و شورای عالی رسانه‌ها مسئول نظارت بر اجرای آن است



و سراسری نشریه، اطلاع‌رسانی درست نشریه، قرار گرفتن مقاله در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی ملی و بین‌المللی، امکان ارتباط نویسنده و شخص علاقه‌مند به مقاله از طریق نشریه و ... را نیز جزء بهترین مسائلی دانست که می‌توان در خصوص حق مؤلف عنوان کرد (جعفری‌مذهب، ۱۳۸۷).

از جمله مشکلات دیگری که مؤلفان برای حفظ حقوق خود در مطبوعات و همچنین کتاب با آن روبه‌رو هستند، اینترنت است. زیرا امروزه شما با یک کلیک روی مطلبی به راحتی می‌توانید آن مطلب را در رایانه شخصی خود داشته باشید و از این رو حقوق مؤلف در این محیط نیز پایمال می‌شود. در این مرحله نیز اگر چه قوانین و مقرراتی در این خصوص وجود دارد، به نظر نگارنده برای رعایت حق مؤلف در محیط الکترونیکی، جز با اتکا به توصیه‌های اخلاقی، دستاویز دیگری وجود ندارد. به‌طور حتم فرهنگ‌سازی و آموزش و اطلاع‌رسانی به افراد می‌تواند به این امر جامه عمل ببوشاند که آن نیز راهکارهای خود را می‌طلبد.

تمهیداتی که ناشران می‌توانند برای مقابله با نقض حق مؤلف در محیط الکترونیکی به کار گیرند: تعیین سطوح حفاظتی برای دسترسی به اطلاعات، شامل الزام کاربر به ثبت‌نام و درج شناسه ورود (که معمولاً با پرداخت هزینه‌ای متناسب با میزان دسترسی و استفاده، میسر است)؛ انعقاد قراردادهای فروش اطلاعات و ذکر شرایط بازتولید، تکثیر اطلاعات و فروش اطلاعات؛ الزام کاربر به قبول شرایط دسترسی به اطلاعات (این الزام‌ها هیچ ضمانت اجرایی ندارند و در صورت نقض، پی‌گیری آن مشکل یا غیرممکن است)؛ قیمت‌گذاری اطلاعات با استفاده از الگوهای قیمت‌گذاری، مانند الگوی میزان استفاده، دفعات دسترسی و ... و ارائه اطلاعات براساس نیاز و درخواست کاربر، ناشران با ارائه اطلاعات کتاب‌شناختی و جلب توجه کاربران، اطلاعات موردنظر را با استفاده از مجراهای مناسب در محیط الکترونیکی برای آنان ارسال می‌کنند (دسترسی غیرمستقیم) (پهمن‌آبادی (نورمن)، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲ - ۱۱۹).

تنها با کلیک کردن بر روی مطالب و سهولت کپی کردن آنها، اما در هیچ‌کدام از این قوانین توجه خاصی به این مطلب نشده است. به نظر می‌رسد در این دوره راهکارهایی که به نظر می‌رسد کارایی داشته و خلأ قانونی را جبران کند، استفاده منصفانه و اخلاقی از این اطلاعات است تا حقوق مؤلف پایمال نشود.

*با بیان قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌ها و میثاق‌ها در زمینه حفظ و حمایت از آثار روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و عکاسان مطبوعاتی، اشاره به این نکته نیز حائز اهمیت است که حق مؤلف در کتاب به مراتب چه از لحاظ قانونی، چه از نظر بیان جزئیات قانونی و مصادیق آن، وضع بهتری دارد. باید توجه داشت که قوانین و مقررات در خصوص نشریات با عناوین حق مؤلف نیست و می‌توان گفت قوانین و مقررات اجرایی در زمینه مطبوعات عبارت حق مؤلف را با خود به همراه ندارد.

این در حالی است که قوانین و مقررات داخلی درباره کتاب به جزئیات بیشتری اشاره دارد و این امر جای بسی امیدواری است برای دست‌اندرکاران کتاب و مؤلفان. اشاره مختصر به قانون‌های مرتبط با کتاب به این امر صحنه می‌گذارد. قوانینی که می‌توان به آن اشاره کرد، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، قانون تعیین تکلیف کتب صادره‌ای ۱۳۶۳، اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب مصوب ۱۳۶۷، آیین‌نامه خرید کتاب و تشویق مؤلفان و ناشران و ... شاید به این مسئله اشاره شود که کم‌وکاستی‌هایی نیز در این قوانین وجود دارد و در پاسخ به آن می‌توان گفت که در مقابل حقوق مجزایی درباره حق مؤلف کتاب وجود دارد و حتی می‌توان گفت از لحاظ کمی قوانین بیشتری در زمینه کتاب و جزئیات مصادیق آن وجود دارد.

در مطلبی که در خصوص کمترین حق مؤلف در سایت مرکز پژوهشی میراث مکتوب به چاپ رسید، مواردی را که عبارتند از: گرفتن امتیاز علمی مقاله، گرفتن حق‌الزحمه مناسب، چاپ مناسب و بدون غلط و بدون دست‌کاری‌های بی‌مورد توسط ویراستاران، چاپ مطلب در جای مناسب، چاپ در مجله مرتب، پخش مرتب



پدیدآورنده‌ای که اثری را به وجود می‌آورد، نسبت به اثر خود دو حق دارد: «حق مادی و معنوی»

نتیجه‌گیری

با بیان قوانین و مقررات موجود در زمینه مطبوعات، به راحتی می‌توان به این مسئله اشاره کرد که در قوانین موجود در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و آیین‌نامه آن به حق مؤلف اشاره نشده است و در این خصوص تنها به تعریف مختصری از سرقت معنوی اشاره شده است و در آن به جزئیات این سرقت و مواردی که مورد حمایت حق مؤلف قرار می‌گیرد، ماده قانونی به میان نیامده است. حتی می‌توان به این مسئله اشاره کرد که در میان قانون‌های موجود در آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران مصوب ۱۳۵۴ نیز اشاره‌ای به حق مؤلف و حمایت از نویسندگان و خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و عکاسان مطبوعاتی نشده است.

عدم اشاره به حرفه‌ای به نام عکاس مطبوعاتی - با وجود این حرفه در مطبوعات - می‌توان عنوان کرد که مسائل حرفه‌ای هم درحاله‌ای از ابهام است. زیرا میثاق‌های موجود در این زمینه کارکرد قوانین و مقررات را ندارد و نمی‌توان به آنها استناد کرد.

مواردی که در مطبوعات مورد نظر است خبر، مقاله، مصاحبه، عکس، گزارش و ... است. به اعتقاد نگارنده، به دلیل فراوانی تولید خبر از سوی خبرگزاری‌ها، مطبوعات و رسانه‌های دیگر، اهمیت حق مؤلف به مراتب کمتر از دیگر موارد است و می‌توان اشاره کرد که حق معنوی مؤلف هم در مواردی به فراموشی سپرده می‌شود. نادیده گرفتن این مورد از سوی نشریات نیز صورت می‌گیرد. زمانی که بیان می‌شود این حق باید مورد توجه قرار گیرد، باید دو جانبه باشد و از سوی دست‌اندرکاران مطبوعاتی نیز، رعایت آن بسیار حائز اهمیت است. در مقاله و مصاحبه که جای پای مؤلف آن مشهود است، سوءاستفاده از این امر به مراتب کاهش می‌یابد که علت آن را می‌توان مراجعه به منبع اصلی با دقت بیشتری عنوان کرد یا در خصوص مصاحبه با مراجعه به شخص مصاحبه‌شونده صحت و سقم آن مطرح می‌شود. عکس مطبوعاتی نیز نباید از این امر مستثنی باشد. متأسفانه درباره مؤلفان مطبوعاتی و حقوق آنها می‌توان اشاره کرد که در بیشترین مورد، حق معنوی آنها رعایت می‌شود و حق مادی نادیده انگاشته می‌شود.

از موارد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد و با وجود عصر رقمی مهم جلوه می‌کند، توجه به حق مؤلف در این محیط است. اما با این وجود، در قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن، در آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی، پیش‌نویس سند میثاق اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری، میثاق اصول اخلاقی حرفه عکاسان مطبوعات و پیش‌نویس آیین‌نامه کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به آن اشاره نشده است و به نظر می‌رسد تصویب و اجرای چنین قوانینی در عرصه

مطبوعات حائز اهمیت است.

در آخر باید به این نکته اشاره کرد که از نظر نگارنده، پابندی به اصول اخلاقی و استفاده منصفانه از مطالب نشریات، کارکرد بهتری نسبت به قوانین و مقررات دارد، ولی جای خالی قوانین و مقررات در خصوص حق مؤلف در مطبوعات، دست‌اندرکاران نشریات را برای اخذ حقوق خود دچار مشکل می‌کند و وجود این قوانین در محاکم و دادگاه‌ها مورد استفاده مؤلف مطبوعات قرار می‌گیرد.

مآخذ

۱. آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۱). مبانی نشر کتاب، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲. آیتی، حمید (۱۳۷۵). حقوق آفرینش‌های فکری، تهران: نشر حقوقدان.
۳. سلطانی، پوری و فروردین راستین (۱۳۷۹). دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: فرهنگ معاصر.
۴. صابری انصاری، بهزاد (۱۳۸۱). سازمان جهانی مالکیت معنوی (وایپو)، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. گرابود (۱۳۸۰). الفبای حقوق پدیدآورنده (کی‌رایت)، ترجمه: غلامرضا لایقی، تهران: خانه کتاب.
۶. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۰). ارتباط‌شناسی، تهران: سروش.
۷. محمدی، پژمان (۱۳۸۶). قراردادهای حقوق مؤلف، تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر.
۸. مطلبی، داریوش (۱۳۸۷). حق مؤلف در دنیای دیجیتال، کتاب ماه کلیات، ش ۱۲، ص ۳.
۹. میرحسینی، سیدحسن (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، نشر میزان.
۱۰. نورمن، سندی (۱۳۷۷). حق مؤلف و استفاده منصفانه در عصر اطلاعات الکترونیکی، ترجمه: علی‌رضا بهمن‌آبادی، فصلنامه کتاب، دوره ۹، ش ۲ و ۴.
۱۱. قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸.
۱۲. قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و آیین‌نامه آن.
۱۳. آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران ۱۳۵۴.
۱۴. پیش‌نویس آیین‌نامه کار حرفه‌ای روزنامه نگاری.
۱۵. پیش‌نویس سند میثاق اصول اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری.
۱۶. میثاق اصول اخلاقی حرفه عکاسان مطبوعات.
۱۷. جعفری‌مذهب، محسن (۱۳۸۷). کمترین حق مؤلف/ نقدی بر ماجرای حقوق مؤلف در نشریات کشور، سایت مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

<http://www.mirasmaktoob.ir/modules.php?name=News&file=article&sid=332>